

بررسی تحولات افغانستان در پرتو انتخابات ریاست جمهوری آتی این کشور

در ادامه سلسله مباحث اتاق فکر، آقای محمدرضا بهرامی سفیر سابق جمهوری اسلامی ایران در افغانستان در تاریخ ۶ مردادماه ۱۳۸۸ در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، دیدگاه‌های خود را درخصوص تحولات اخیر افغانستان با تأکید بر انتخابات ریاست جمهوری آتی این کشور که در ۲۹ مرداد ۱۳۸۸ برگزار خواهد شد، تشریح نمودند. اهم اظهارات ایشان، در گزارش ذیل ارائه می‌شود:

منابع خارجی، از جمله سازمان ملل متحد و سایر کشورهای کمک کننده تأمین خواهد شد. این مبلغ در اختیار کمیسیون مستقل انتخابات قرار گرفته و صرفاً هزینه‌های برگزاری انتخابات از محل آن تأمین می‌گردد. افراد واجد شرایط رأی‌دهی در این دوره بر اساس اعلام کمیسیون مستقل انتخابات تعداد ۱۷۱۶۴۹۰۲ نفر می‌باشد. البته واجدین شرایط رأی‌دهی در انتخابات دوره قبل حدود ۱۲ میلیون نفر بود.

۴۰ نفر در این دور خود را برای رقابت در این انتخابات نامزد کرده‌اند که از میان این ۴۰ نفر تعداد ۵ نفر بیشتر از سایرین امکان جلب نظر مردم را دارند که عبارتند از:

۱. آقای کرزی رئیس‌جمهور فعلی افغانستان
۲. دکتر عبدالله عبدالله، وزیر امور خارجه سابق این کشور

دومین دور انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در تاریخ ۲۹ مردادماه برگزار خواهد شد و مسؤولیت برگزاری آن بر عهده کمیسیون مستقل انتخابات می‌باشد. کمیسیون مستقل انتخابات نهاد برگزار کننده تمامی انتخابات در افغانستان بوده و رئیس و اعضای آن توسط رئیس‌جمهور انتخاب می‌گردند. این کمیسیون وظیفه دارد افرادی که واجد شرایط برای رأی دادن هستند را شناسایی کرده و برای آنها کارت مخصوص رأی دادن صادر نماید. از این نظر سیستم انتخابات افغانستان مشابه سیستم انتخابات برخی از کشورهای غربی می‌باشد.

هزینه برگزاری این دور انتخابات در افغانستان با احتساب اینکه انتخابات شوراهای ولایتی نیز همزمان با انتخابات ریاست جمهوری برگزار می‌گردد در حدود ۲۲۰ تا ۲۳۰ میلیون دلار برآورد شده که تمامی آن از سوی

۳. دکتر اشرف‌عنی احمدزی رئیس سابق دانشگاه کابل و وزیر اسبق امور اقتصاد و دارائی افغانستان
۴. آقای میر ویس یاسینی، معاون اول پارلمان افغانستان
۵. دکتر رمضان بشردوست وزیر سابق برنامه‌ریزی و نماینده کنونی پارلمان افغانستان

براساس قوانین انتخاباتی افغانستان هر نامزد ریاست جمهوری در هنگام ثبت نام موظف است نام معاونین اول و دوم خود را نیز اعلام نماید. در واقع مردم علاوه بر نامزد اصلی به نوعی به معاونین وی نیز رأی می‌دهند.

حدود ۴۰۰ حوزه رأی‌گیری و ۷۰۰۰ مرکز رأی‌گیری برای این انتخابات در نظر گرفته شده که براساس اعلام کمیسیون مستقل انتخابات تعداد ۶۰۰۰ مرکز رأی‌گیری از شرایط مساعد امنیتی برای حضور رأی‌دهندگان برخوردار بوده و در مورد ۱۰۰۰ مرکز باقیمانده با توجه به گزارش دستگاه‌های امنیتی مسؤول در تاریخ ۲۰ مرداد ماه موضوع اعلام خواهد گردید.

همچنین بر اساس اعلام صورت گرفته حدود ۱۳ سازمان داخلی و ۱۹ سازمان بین‌المللی بر روند برگزاری انتخابات نظارت خواهند نمود.

آقای کرزی علاقمند به پایان انتخابات در دوره اول است در صورتی که دکتر عبدالله که جدی‌ترین رقیب کرزی محسوب می‌شود سیاستش مبتنی بر این است که انتخابات به دور دوم کشیده شود.

نگرانی آقای کرزی از کشیده شدن انتخابات به دور دوم به این علت است که این امر عدم توان وی در جذب آرای مردم تلقی شده و شانس دکتر عبدالله را برای جذب تعدادی از طرفداران آقای کرزی به ویژه آن بخش از خانواده جهاد که در این دور به حمایت از آقای کرزی برخواسته‌اند را افزایش خواهد داد.

تاکنون جمع قابل توجهی از شخصیت‌ها و سران احزاب و گروه‌های افغانستان و به ویژه گروه‌های جهادی این کشور نظیر آقایان مجددی (رئیس سنا)، پیر سید احمد گیلانی، سیاف، خلیلی، محقق، اکبری، مارشال فهیم، سید منصور نادری، مصطفی ظاهر، گل آغا شیرزی و تعدادی دیگر حمایت خود را از آقای کرزی اعلام نموده‌اند.

مهمترین تشکل سیاسی حامی دکتر عبدالله نیز در این انتخابات مجموعه جبهه ملی می‌باشد. این جبهه که متشکل از تعدادی احزاب و شخصیت‌های سیاسی افغانستان می‌باشد در اواخر سال ۱۳۸۵ تحت ریاست آقای برهان الدین ربانی پایه‌گذاری شد. علاوه بر این جبهه برخی شخصیت‌های سیاسی نظیر آقایان انوری، عرفانی، استاد عطا و تعدادی دیگر نیز از دکتر عبدالله حمایت می‌نمایند. البته در مورد جبهه ملی باید گفت که با حمایت مارشال فهیم از کاندیداتوری آقای کرزی در واقع یکی از شخصیت‌های مؤثر این تشکل از همراهی جهت حمایت از دکتر عبدالله خودداری نمود. این موضوع در مورد آقای مصطفی ظاهر نیز صدق می‌نماید. در واقع می‌توان گفت که شکاف ایجاد شده در این جبهه به طور طبیعی بر میزان کارائی آن تأثیرگذار خواهد بود.

نکته قابل توجهی که در موضوع انتخابات افغانستان باید به آن توجه نمود برقراری امنیت به ویژه در مناطق جنوب و شرق این کشور که عمدتاً در شرایط ناامنی به سر می‌برند به گونه‌ای که امکان مشارکت مردم این مناطق را فراهم آورد، می‌باشد. در این رابطه باید توجه نمود که براساس آمارهای اعلام شده از سوی کمیسیون مستقل انتخابات مناطق ذکر شده که حدود ۱۱ استان را شامل می‌شود، ۷ میلیون نفر از واجدین شرایط رأی‌دهی را در خود جای داده که عمدتاً از یک قوم خاص یعنی

پشتون‌ها می‌باشند و این به مفهوم ۴۰٪ واجدین شرایط است. با عنایت به توان نسبی گروه‌های مخالف دولت افغانستان در ایجاد ناامنی در این مناطق و تحریم انتخابات از سوی طالبان نگرانی‌های موجود در این خصوص قابل تعریف و درک می‌باشد.

ارزیابی‌های موجود حاکی از این است که بخش قابل توجهی از این استان‌ها احتمالاً به آقای کرزی رأی خواهند داد و عدم مشارکت احتمالی این افراد در انتخابات می‌تواند نتیجه انتخابات را متأثر و احتمال به دور دوم کشیده شدن آن را افزایش دهد. ضمن اینکه براساس برخی دیدگاه‌ها بروز احتمالی این وضعیت اصل برگزاری انتخابات را نیز با بحران جدی مواجه و چالش جدیدی را در برابر طرف‌های مختلف قرار خواهد داد.

نکته دیگری که نمی‌توان آن را در معادلات افغانستان ندیده گرفت ساختار قدرت بر مبنای موزائیک قومی این کشور است. هر چند مردم و رهبران افغانستان سعی نموده‌اند ظرف سال‌های اخیر از مینا قرار گرفتن گرایش‌های قومی در تعاملات سیاسی خودداری و نوعی از کثرت‌گرایی بر مبنای وحدت ملی را سر فصل امور قرار دهند اما بافت عمدتاً سنتی جامعه افغانستان کماکان برخی موضوعات را به این کشور تحمیل می‌نماید. نگاهی گذرا به نوع وابستگی قومی نامزدهای ریاست جمهوری و معاونین پیشنهادی آنها این موضوع را روشن‌تر می‌نماید.

در ارتباط با انتخابات افغانستان و شرایط کلی که این کشور از آن برخوردار می‌باشد مناسب است به چند نکته اشاره شود:

اول: انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان را در واقع باید یک مرحله از یک روند کلی در این کشور تلقی نمود، هر چند نفس برگزاری انتخابات به مفهوم برخوردارگی کشور از شرایط کلی مناسب می‌تواند باشد، اما

به معنای حل سریع مشکلات عدیده‌ای که با آن مواجه هستند نظیر فساد، کشت و تولید مواد مخدر، ناکارآمدی بخش‌هایی از دولت و اختلافات داخلی نخواهد بود و لذا نباید اهمیت برگزاری انتخابات را بیش از واقعیت موجود بزرگ نمود.

دوم: فضای عمومی افغانستان و افکار عمومی این کشور حاکی از افزایش بدبینی نسبت به آمریکا و ناتو می‌باشد. آقایان کرزی و دکتر عبدالله هر کدام جداگانه و در مواضعی که اخیراً اعلام داشته‌اند به صراحت بر ضرورت تدوین سازوکار و چارچوبی که بر نحوه حضور و عملکرد نیروهای خارجی نظارت کند تأکید داشته و حتی دکتر عبدالله اظهار نموده که در صورت پیروزی حکومتی را ایجاد می‌کند که در ۵ سال آتی نیازی به حضور نیروهای خارجی نباشد. جدا از نگاه سیاسی که هر یک از این دو تن نسبت به نوع روابط خارجی افغانستان دارند، باید به این نکته توجه نمود که هر چند در حال حاضر میان افغانستان و آمریکا قرارداد همکاری استراتژیک منعقد شده، اما بیان این مواضع در شرایط فعلی که کارزار رقابت‌های انتخاباتی در این کشور داغ و تمامی نامزدها سعی در جلب نظر بیشتری از مردم این کشور را دارند به مفهوم این است که اقبال بیشتری از سوی مردم این کشور نسبت به این قبیل دیدگاه‌ها وجود دارد.

این نکته را نیز باید ذکر نمود که به ویژه ظرف یکسال گذشته شاهد تلاش برای ایجاد نوعی توازن در سیاست خارجی افغانستان می‌باشیم. این رویکرد به صورت مشخص موجب تقویت روابط منطقه‌ای افغانستان و دوری از یک سوبه‌نگری نسبت به غرب در مقامات مربوطه این کشور گردیده است.

سوم: اخیراً گروه طالبان مبادرت به ارائه مجموعه‌ای تحت عنوان لایحه نموده است. این را شاید بتوان به

نوعی مرامنامه و یا اساسنامه نیز نامید. متن منتشره از سوی طالبان شامل ۱۳ فصل و ۶۷ ماده بوده و عمده موارد قابل ذکر آن درخصوص کاهش عملیات انتحاری، ممانعت از تلفات غیر نظامیان، عدم تبعیض در برخورد با مردم و تلاش برای جلب قلوب مردم می‌باشد. همچنین در این متن نوعی وحدت تصمیم‌گیری به ویژه درخصوص اسرای دولتی و یا خارجی مشهود می‌باشد. در واقع این متن بایدها و نبایدهائی را به اعضای این گروه مورد تأکید قرار داده است. نکته قابل توجه در این رابطه این است که برای اولین بار ظرف سال‌های گذشته رهبری این گروه سعی در ارائه تعریفی از آن و نگاهی که نسبت به موضوعات مختلف در افغانستان دارند را بیان نماید. بدون آنکه بخواهیم نتیجه‌گیری سریعی درخصوص علل این رویکرد جدید طالبان داشته باشیم به نظر می‌رسد که این را باید مقدمه‌ای برای ورود این گروه به مرحله‌ای نو تلقی نمود.

چهارم: توجه به ضرورت انجام مذاکره با طالبان با هدف تغییر شرایط نظامی و سیاسی حاکم بر افغانستان ظرف هفته‌های اخیر بیشتر و علنی‌تر شده است. در این راستا دولت افغانستان از مدت‌ها پیش بر این موضوع تأکید می‌نمود و کشورهای مختلف از جمله انگلیس، آمریکا، دبیر کل جدید ناتو و برخی کشورهای اروپائی آن را در قالب‌های مختلف مورد توجه قرار داده‌اند. نفس طرح این موضوع به مفهوم این است که ناتو نمی‌تواند به لحاظ نظامی بحران افغانستان را حل و به پیروزی برسد. البته تاکنون طالبان نیز از پذیرش انجام هرگونه مذاکره با ناتو سرباز زده و انجام آن را منوط به خروج نیروهای خارجی از این کشور نموده است.

پنجم: نقش پاکستان است. به نظر می‌رسد یکی از مهمترین موضوعات تأثیرگذار بر افغانستان، تحولات

پاکستان می‌باشد. بدون توجه به تحولات پاکستان دستیابی به ثبات و امنیت در افغانستان با چالش‌های جدی مواجه خواهد بود. توسعه جریان افراط‌گرایی در پاکستان نه تنها به عنوان عقبه ناامنی‌ها در افغانستان محسوب شده بلکه مشکلاتی را برای مقامات این کشور نیز فراهم آورد. به نظر می‌رسد بخشی از سیستم امنیتی پاکستان و نیز تعدادی از گروه‌های این کشور کماکان معتقدند که با استفاده از کارت افراط‌گرایی قادر به تأمین منافع منطقه‌ای خود به ویژه در ارتباط با افغانستان و هند خواهند بود. رفتار دوگانه‌ای که در زمان مشرف در نحوه برخورد با جریانات تندرو وجود داشت به خوبی اهمیت دیدگاه فوق‌الذکر را در لایه‌های از ساختار پاکستان به نمایش گذارد، پدیده‌ای که به نظر می‌رسد دولت جدید این کشور سعی در پرهیز از آن دارد هر چند میزان تأثیرگذاری این دولت بر این مهم کاملاً مبهم می‌باشد.

در همین راستا اخیراً سخنگوی ارتش پاکستان نیز اعلام نمود که مقامات این کشور قادر هستند تعامل میان رهبران طالبان افغانی و نیروهای آمریکایی را با هدف برگزاری مذاکره برقرار نمایند. نکته ظریف این موضوع تأکید طرف پاکستانی بر طالبان افغانی بود. این پدیده‌ای است که مطلوب آمریکا نیز محسوب می‌گردد. این موضع با عنایت به اینکه از سوی سخنگوی ارتش اتخاذ گردید نشان‌دهنده امکان دسترسی نیروهای پاکستانی به عناصر رده بالای طالبان می‌باشد.

هر چند دولت جدید آمریکا رویکرد تازه‌ای را در مورد افغانستان ارائه نمود که در آن به استثنای امور نظامی که ادامه دهنده مشی دولت گذشته بود در سایر امور تفاوت‌هایی با سیاست‌های گذشته را به نمایش گذاشته است اما ارزیابی روند کلی خط مشی این کشور در افغانستان بیانگر این است که آمریکایی‌ها نه تنها

علاقه‌مندند برای مدت طولانی در این کشور بمانند بلکه تمایل دارند دولت آتی افغانستان کماکان به عنوان یک هم‌پیمان استراتژیک متحد سیاست‌های آنها در این منطقه باشد.

در خاتمه چند نکته به عنوان جمع‌بندی سخنانم بیان می‌نمایم:

۱. در کوتاه مدت ضروری است که همه طرف‌ها به روند برگزاری انتخاباتی شفاف، آزادانه و بدون هر گونه دخالت مساعدت نمایند. همه باید برای تقویت ثبات در افغانستان به رأی مردم این کشور احترام گذاشته و از آن حمایت نمائیم. هر گونه دخالت در روند برگزاری انتخابات می‌تواند شرایط این کشور را از وضعی که در حال حاضر با آن روبرو هستیم بغرنج‌تر نماید.

۲. ثبات پایدار در افغانستان در گرو این است که ناتو و کلیه نیروهای خارجی مستقر در این کشور با تسریع در

روند بازسازی و تکمیل ارتش، پلیس و نیروهای امنیتی افغانستان متناسب با جدول زمانی خروج خود از این کشور اقدام و مسؤولیت حفظ امنیت را به نیروهای بومی این کشور واگذار نمایند.

۳. تحولات سال‌های گذشته در افغانستان این نکته را به خوبی به اثبات رسانیده که همکاری و همگرایی واقعی منطقه‌ای مهمترین عامل ایجاد ثبات و امنیت در افغانستان بوده و حمایت جامعه بین‌الملل از این همکاری می‌تواند در تقویت و استمرار آن مؤثر واقع گردد.

۴. باید از هر فرمولی که افغان‌ها برای دستیابی به وحدت ملی خود و خاتمه درگیری‌ها مفید تشخیص می‌دهند حمایت نمود و مسؤولیت این مهم را بر عهده آنها قرار داد.

نوئسین یاوریان

مرکز مطالعات آسیا و اقیانوسیه